

مناسب و متناسب

چگونگی مطالعه‌ی تطبیقی

نظام‌های آموزشی کشورهای دیگر

برای مسائل کشور نقش مهمی ایفا کند. به خاطر داشته باشیم که مشکلاتی مانند اعتصاب معلمان، مقررات دست‌وپاگیر یا سیاست‌زدگی در آموزش، معضلاتی جهانی هستند که همه‌ی کشورها کم‌وبیش با آن‌ها مواجه بوده‌اند. تجربه‌های موفق کشورها اگر با تحلیل دقیق بستر وقوعشان بررسی شوند، می‌توانند دستاوردهای ارزشمندی برای ما داشته باشند.

بر اساس چه معیارهایی می‌توان کشورها را برای مطالعه اولویت‌بندی کرد؟

برای اولویت‌بندی کشورها در مطالعات تطبیقی معیارهای متعددی وجود دارد؛ اما به نظر می‌رسد این موارد از اهمیت بیشتری برخوردارند:

الف) نظام سیاسی و اجتماعی کشور

کشورهایی که دارای نظام سیاسی متمرکز و یکپارچگی اجتماعی بیشتر هستند و قرابت‌های فرهنگی با کشور ایران دارند، طبیعتاً اولویت بالاتری در مطالعات خواهند داشت؛ چراکه پیاده‌سازی برخی الگوها و راهکارها نیازمند بافت مشابه سیاسی و اجتماعی کشور مبدأ است و تفاوت در این حوزه مانع پیاده‌سازی راهکار در کشور می‌شود.

ب) جمعیت کشور

مدیریت نظام‌های آموزشی در مقیاس‌های جمعیتی مختلف تفاوت‌های بنیادینی دارد. بسیاری از راهکارهایی که در کشورهای کوچک موفق بوده‌اند، ممکن است در کشورهای پرجمعیت کاربرد نداشته باشند؛ مثلاً نظام آموزشی فنلاند با جمعیتی حدود ۵/۵ میلیون نفر، قابل مقایسه با نظام آموزشی انگلستان با بیش از ۵۶ میلیون نفر نیست.

ج) میزان موفقیت در تحقق اهداف آموزشی و پرورشی

بدیهی است که برای بهره‌گیری از تجربه‌های نظام آموزشی یک کشور باید آن نظام آموزشی در دستیابی به اهداف خود موفق بوده باشد. برای سنجش این موفقیت، می‌توان از داده‌های

در ابعاد متعدد می‌تواند در شناسایی دقیق این مسائل بسیار راهگشا باشد. برای مثال، برخی تصور می‌کنند معلمان از شغلشان ناراضی هستند، در صورتی که بر اساس ارزیابی‌های بین‌المللی، میزان رضایت شغلی معلمان ایرانی در میان بالاترین‌ها قرار دارد و در کمتر کشوری، معلمان به‌اندازه‌ی ایران از شغل خود رضایت دارند (کبیری و همکاران، ۱۳۹۶: ص ۶۶).

گام دوم در مطالعه‌ی سایر کشورها، تحلیل و ریشه‌یابی موفقیت‌ها و ناکامی‌های آنان در بستر بومی‌شان است. متأسفانه بسیاری از مطالعات تطبیقی، تنها به توصیف یا تمجید یا نقد اقدامات دیگر کشورها می‌پردازند و به تحلیل عمیق نمی‌رسند. در نتیجه، این مطالعات چیزی جز احساس حسرت یا غرور برای خواننده به همراه ندارند. برای مثال، در برخی کشورها، مدرسه اختیار دارد کتاب درسی خود را از میان فهرست‌های تأییدشده‌ی وزارتخانه یا حتی خارج از آن انتخاب کند؛ اما بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که این واگذاری اختیار نتیجه‌ی وجود نظام ارزیابی و نظارت مؤثری است که تضمین می‌کند اهداف آموزشی و تربیتی در مدرسه محقق می‌شود.

گام سوم، ارائه‌ی پیشنهاد‌های اجرایی متناسب با شرایط کشور خودمان، بر پایه‌ی تجربه‌های موفق سایر کشورهاست. به‌عنوان نمونه، می‌توان به توصیه‌ی توسعه‌ی ارزیابی‌های متمرکز و معتبر در سطح ملی اشاره کرد که مقدمه‌ای برای واگذاری برخی اختیارات به مدرسه‌ها و ادارات استانی است. مطالعه‌ی تطبیقی در صورتی که این سه عنصر را در بر داشته باشد، یعنی تشخیص مسئله، تحلیل متناسب با بوم هر کشور و پیشنهاد‌های اجرایی، می‌تواند در ارائه‌ی راه‌حل‌های کارآمد

سید سعید قاضی میرسعید
کارشناس ارشد مهندسی مکانیک از دانشگاه امیرکبیر
حمید زینلی
دکترای فلسفه از دانشگاه شهید بهشتی
محمدجواد کشانی
دانشجوی دکترای سیاست‌گذاری فرهنگی
امیرحسین حمزه
دانشجوی کارشناسی مهندسی مواد

احتمالاً پیش از این، واژه‌هایی مانند «مطالعه‌ی سایر کشورها» یا «مطالعه‌ی تطبیقی» را در برخی متن‌ها یا گفت‌وگوها شنیده‌اید. جالب است بدانید و شاید هم بدانید که مطالعه‌ی تطبیقی نظام‌های آموزشی کشورهای دیگر، از جمله واحدهای اجباری در رشته‌ی علوم تربیتی است؛ اما بسیاری از افراد در مواجهه با این‌گونه مطالعات می‌پرسند: «آیا چنین پژوهش‌هایی، جز ایجاد احساس عقب‌ماندگی یا سرخوردگی، فایده‌ای هم دارند؟ و اگر آری، این مطالعات چگونه می‌توانند به حل مسائل آموزشی کشور کمک کنند؟»

در این مقاله، ابتدا به این پرسش پاسخ می‌دهیم: «مطالعه‌ی نظام‌های آموزش و پرورش سایر کشورها چه فایده‌ای دارد؟» سپس، به بررسی معیارهای اولویت‌بندی کشورها برای مطالعه‌ی تطبیقی می‌پردازیم و در پایان، برخی اشتباهات رایج پیرامون این مطالعات را بیان خواهیم کرد.

مطالعه‌ی نظام‌های آموزش و پرورش سایر کشورها چه فایده‌ای دارد؟

نخستین گام برای حل هر مشکلی پذیرش آن است.

آنکس که نداند و نداند که نداند در جهل مرکب ابدالدر بماند

در بسیاری از موارد، تشخیص اینکه کدام یک از مسائل موجود، نشانه‌ی مشکلی بنیادین است، نیازمند دقت و تأمل فراوان است. مقایسه‌ی نظام آموزشی کشور با سایر کشورها

قدیمی و گاه نامعتبر و اکتفا کردن به داده‌های هوش مصنوعی، منجر به فهم غلط و توصیفات نادرست از کشورهای مورد مطالعه می‌شود. همچنین توجه به روندهای تاریخی و تغییرات، به‌خصوص در کشورهایی که دارای بلوغ و پیچیدگی‌های بینادیوانی (بروکراسی) هستند، از عوامل مهم تحلیل وضعیت فعلی ایشان است. اینکه هر کشور چه مسیری را در چه بستری برای رسیدن به وضعیت امروز خود طی کرده، از اهمیت بالایی برخوردار است.

ج) تمرکز بر کشورهایی با جمعیت کم
گرچه کشورهایی مانند فنلاند، سوئد یا هلند در آزمون‌های بین‌المللی عملکرد خوبی دارند، اما ساختار جمعیتی و سیاسی آن‌ها بسیار متفاوت از کشور ماست. تقلید مستقیم از این الگوها، بدون توجه به این تفاوت‌ها، می‌تواند ناکارآمدی و حتی دلسردی عمومی به دنبال داشته باشد.

د) تمرکز بر کشورهایی با ساختار سیاسی بسیار متفاوت
برخی کشورها مانند آمریکا، استرالیا و آلمان دارای نظام فدرال و استقلال ایالت‌ها در آموزش هستند. هرچند تجربه‌ی آن‌ها در نوآوری‌های آموزشی، مشارکت محلی و پاسخ‌گویی قابل توجه است، اما ساختار تصمیم‌گیری آن‌ها قابل تعمیم کامل به کشور ما نیست.

ه) پرداختن به کشورهایی با عملکرد ضعیف
مطالعه‌ی نظام‌های آموزشی کشورهایی مانند مالزی و اندونزی که در آزمون‌های بین‌المللی عملکردی مشابه یا پایین‌تر از کشور ما دارند، اگر بدون هدف مشخص و تحلیل دقیق انجام شود، ارزش کاربردی چندانی نخواهد داشت. حال با توجه به آنچه گفته شد، به نظر شما، چه کشورهایی برای مطالعه‌ی تطبیقی مناسب‌ترند و چرا؟
منتظر دریافت نظرات شما درباره‌ی این پرسش و همچنین درباره‌ی کل این مقاله هستیم.

پی‌نوشت‌ها

1. TIMSS
2. PIRLS
3. PISA

منبع
۱. کبیری. مسعود و همکاران (۱۳۹۶). یافته‌های مطالعات پرلز ۲۰۱۶. تهران: انتشارات سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی.



در ادامه، به برخی اشتباهات رایج در این حوزه اشاره می‌کنیم:

الف) بسنده کردن به توصیف
بسیاری از پژوهش‌ها فقط به بازنمایی وضعیت موجود یک کشور پرداخته‌اند، بدون اینکه چرایی موفقیت یا ناکامی آن را تحلیل کنند. همچنین، برخی مطالعات به معرفی ابزاری خاص یا سیاستی موفق می‌پردازند، بدون در نظر گرفتن زمینه‌های نهادی و اجتماعی آن کشور. در حالی که چالش‌های نظام آموزشی در بیشتر کشورها مشابه‌اند، اما دلایل، شکل بروز و راه‌حل‌ها متفاوت هستند. بنابراین، رویکرد تحلیلی و انتقال تجربه (نه فقط تقلید) باید مبنای این مطالعات باشد.

ب) ضعف داده‌های متقن
یکی از مهم‌ترین وجوه مطالعه‌ی سایر کشورها، یافتن اطلاعات دسته اول و رسمی و قابل اعتماد و به‌روز است. استفاده از داده‌های

آزمون‌های بین‌المللی مانند تیمسز^۱، پرلز^۲ یا پیزا^۳ استفاده کرد. البته باید توجه داشت که برخی کشورها، با وجود موفقیت در آزمون‌های بین‌المللی، نشان داده‌اند که دستیابی به این نتیجه‌ها را به‌بهای چشم‌پوشی از اهداف تربیتی ممکن ساخته‌اند. بنابراین باید با بررسی شواهد، تحقق اهداف تربیتی را نیز بررسی کرد؛ مثلاً بررسی توانایی آن نظام در انتقال ارزش‌ها و هویت ملی به نسل آینده یا حل مسائل فرهنگی و اجتماعی می‌تواند نشان‌دهنده‌ی میزان تحقق اهداف پرورشی باشد.

برخی اشتباهات رایج در مطالعات تطبیقی نظام‌های آموزشی

با وجود حجم بالای پژوهش‌ها درباره‌ی نظام‌های آموزشی کشورهای متعدد، به‌نظر می‌رسد موانعی جدی بر سر راه بهره‌برداری مؤثر از این مطالعات در سیاست‌گذاری‌های آموزشی کشور ما وجود دارد.